

امیر کروڑ جهان پهلوان

از اقدم شعرای زبان پشتو که بما تاکنون معلومست، جهان پهلوان امیر کروڑ بن امیر پولاد سوریست، و سوری از طوایف معروف غور بود، که تاکنون هم در بادغیس و زورآباد شمال هرات بنام (زوری) یاد میشوند، و زورآباد تاکنون هم موجود و به نام این نام مشهور است. ریشه این نام به کلمه سور یا که در ویدا رب النوع آفتاب بود میپیوندد این نام را زایر چینی هیون تسانگ در حدود (۶۳۰ ع) بنام شونا یاد کرده که معبد آن را در اراضی داور غور دیده بود. (۱) به قول البلاذری در سنه (۳۰ هـ) عبدالرحمن بن سمره، از راه الرخج بلاد الداور، جبل انرور را محاصره کرده و بت طلایی که بنام (زور) معروف بود و چشم یاقوتی داشت بشکست (۲).

از قول یاقوت هم معلوم میشود که (زور) نام بتی بود، در بلاد داور (۳) که پیش از یاقوت اصطخری در المسالک والممالک خود، و ابوزید احمد بن سهل بلخی در صور الاقالیم از آن ذکر کرده بودند (۴). خلاصه نام سوری از همان (زور) قبل الاسلام باقی مانده و در دوره اسلام هم همین قبیله در اراضی سرخس و بادغیس شمال هرات زندگانی داشتند. و شهر زور را بد (یاقوت) بنام همین قبیله شهرت

یافت. که رجال علمی و سیاسی ازین قبیله برخاسته اند، مانند ابوبکر عتیق بن محمد السور آبادی مفسر معروف حدود (۴۶۰ هـ) و سوری بن المعتز از رجال عصر سلطان مسعود (۵) و ماهوی سوری که فردوسی او را سوری نژاد و حکمران بلخ و هری و بخارا خوانده (۶) و یزدگرد پادشاه آخرین ساسانی را در مرو بکشت و از طرف حضرت علی (رض) به شاهی مرو شناخته آمد (۷) و هکذا (سور) در جمله اجدادی شنسب غور یعنی دودمان معروف پادشاهان غوری و برادر سام بود، که بر اراضی غور حکمرانی داشت. (۸)

و باز همین قبیله سوریست که در جمله قبایل افغانی از خویشاوندان (لودی) شمرده شده و از اعقاب آن سوریان هند پیدا شدند که شیر شاه سوری از آنها بود (۹) و بقایای این طایفه تاکنون در شمال هرات در بادغیس بنام (زوری) یاد می شوند. که در حدود همان (زور آباد) قدیم بر سرحد افغانستان و ایران سکونت دارند. از زمان قبل الاسلام در غور از همین قبیله خانواده شنسب بن خرنک حکمرانی داشتند.

امیر کروړ سوری جهان پهلوان شاهی است که اشعار پشتوی او را مؤلف پته خزانه بحواله کتاب لرغونی پشته مولفه شیخ کته متی زی خلیل آورده و شیخ کته هم از کتاب تاریخ سوری محمد بن علی البستی نقل کرده بود، بدین تفصیل: "امیر کروړ ولد امیر پولاد به سال ۱۳۹ هـ در مندیش غور امیر بود و "جهان پهلوان" نامیده شده و تمام قلاع غور را از قبیل تمران، خیساو و برکوشک بگرفت و با دودمان رسالت (آل عباس) در حصول خلافت امداد ها کرده مرد پهلوان و جنگی بوده که با صد نفر میجنگید و بنا بران او را "کروړ" گفتند یعنی محکم و سخت.

وی در موسم سرما به قصر خود در زمینداور میزیست، و از نسل هسان سوریست که از اعقاب سهاک (ضحاک) بود، و در غور و بالستان و بست شاهی داشت و در دعوت ابوالعباس سفاح بر خلاف بنی امیه به امداد ابو مسلم شریک بود.

امیر کروړ به سال (۱۵۴ هـ) در جنگهای فوشنج مرد، و امیر ناصر فرزندش ممالک او را در غور و سور و بست و زمینداور در ضبط آورد. میگویند: امیر کروړ امیر عادل و ضابط و دارای سخنان خوبی بود چون در دعوت آل عباس فتوحات نمایانی کرده اشعاری را بصورت "ویاږنه" (در زبان پشتو به معنی حماسه) بسرود، و به فتوحات خود افتخار کرد، وی درین حماسه گوید: من پادشاه دلاور و شایوش هستم و نظیر من پهلوانی در هندوستان و سند و تخار و کابل و زابل نیست. و در تحت ظلال شمیر من هرات و جروم، مرو، هریوالرود، غرچ و بامیان و تخار شاملند، و دروم هم عرامی شناسند، دشمنان از نام من لرزند و سوریان را سربلند ساخته ام، بر کوهساران بلند حکم من جاریست مداحان نام مرا بر منابر می برند و بر رعایای خود مهربانم و بر دشمنان سخت تازان. (۱۰)

این شعر او به زبان پشتو در یکی از بحور قدیم سروده شده و در آن الفاظی هست که اکنون مستعمل و زنده نیست، و قدامت زبان و صلابت افکار و فصاحت زبان از آن هویداست و قدیمترین شعر پشتو که تا هنوز کشف شده همینست که در حدود سنه (۱۵۰ هـ ق) سروده شده و از آن ثابت میشود که بان سوریان قدیم و خانواده غوریان باستانی پشتو بود. (۱۱)

ماخذ

۱. تاريخ افغانستان، ج ۲، ص ۵۷۷، جغرافيه خلافت شرقي ص ۳۴۶.
۲. فتوحات البلدان ص ۴۰۲.
۳. مراصد الاطلاع ص ۲۰۶.
۴. معجم البلدان، ج ۴، ص ۲۸.
۵. مراصد، ياقوت ص ۲۰۶، و تاريخ بيهقي ص ۱۷۹.
۶. شاهنامه، ج ۵ - ص ۳۱۱.
۷. فتوح البلدان، اليعقوبي ج ۲ - ۲۱۴.
۸. طبقات ناصري ج ۱ ص ۱۷۶ - ۱۷۷.
۹. مخزن افغاني، ورق ۱۸۱، صولت افغاني، ص ۳۲۵.
۱۰. پته خزانه، ص ۳۳ - ۳۶.
۱۱. د امير كروړو ياد، ۱۳۶۴ چاپ، د افغانستان د علومو اكاډيمي ۵۵ - ۵۸ مخونه